مطالعه بايستهـهاي راهبردي وحدت در جهان اسلام از منظر حضرت آيت اللـه سيدـعلي خامنهـاي

مطالعه بايستههاي راهبردي وحدت در جهان اسلام از منظر حضرت آيت اللـه سيدعلي خامنهاي

محمد جواد فتحي

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات جهان

چكيده

در تاريخ پرفراز و نشيب اسلام، تفرقه بين مذاهب و ملل اسلامی، از مسائل پيچيده و بنيانكن جوامع اسلامی بوده است كه خسارتها و لطمههای مادی و معنوی جبران ناپذيری بر پيكر امت واحده اسلامی وارد ساخته است، اين زخم خونين در چهره زيبای امت اسلامی از ديد مصلحان امت اسلامي پنهان نمانده و نگرانی آنان را برانگيخته است. از اين رو در مقاطع تاريخی مصلحان بسياري در صدد ايجاد وحدت بين مسلمين بوده تا التيامبخش درد مهلک امت اسلامی باشند، هر يک از آنان اهداف ويژهای را نيز دنبال نمودهاند

مقدمه

با نگاهي اجمالي بر جملگي احكام و مسائل مترتب بر اسلام، آنچيزي كه بيش از پيش بديهي مي نمايانند اين است كه وحدت مسلمانان و عدم تفرقه ميان آنها به كرات فصل الخطاب بانيان امر قرار گرفته و ائمه اطهار(ع) بارها آن را گوشزد نموده اند. بدون شك مسئله وحدت اسلامي كه در طول تاريخ هجري پس از اسلام تا كنون همواره مورد توجه و عنايت بزرگان دنياي اسلام از پيامبر اكرم(ص) تا اهل بيت عصمت و طهارت و فقهاي امامي و سني بوده است. قدر مسلم اينكه امروزه دنياي غرب و مخالفين اسلام كه به دليل عقيم ماندن تئوريهاي اجتماعي و فرهنگيشان در مهار قدرت فزاينده اسلام ناب محمدي (ص) به بن بست مديريتي رسيده و در مرداب بحران هويت دست و پا مي زنند عليه شجره طيبه وحدت اسلاكي قد علم مي كنند و در صدد آنند تا با پاشيدن بذر نفاق و تفرقه افكني و ايجاد شكاف پايدار اعتقادي بين شيعه و نسي ، مانع ره آوردي هاي وحدت امت اسلامي بشوند. چنانچه اين مهم يعني وحدت، همدلي و هم آوايي نسبي در جهان اسلام صورت پذيرد مي توان چشم اميد به آينده بهتر و شكوفاتر براي مسلمانان سرتاسر عالم بست و به تبع آن كفار و دشمان قسم خورده مسلمانان در پوستين شيطان به هيچ وجه توان وارد آوردن آسيب به ساحت مقدس اسلام روحاني را نخواهند داشت و در مقابل آن سر تسليم فرو خواهند آورد. منتها براي اين كار بايد راهبرد داشت و خط مشي ها را تعريف نموده و بدون برنامه و به صورت نامنظم عمل نكرد. چه بسا هدفي مقدس و مشروع به برنامه اي حسب نشده و نامنسجم تبعات منفي غيرقابل جبراني براي دنياي اسلام در پي داشته باشد. در اين راستا خط مشي هاي فرموده از جانب مقام معظم رهبري مي تواند به عنوان چراغ راهي عمل نمايد و با استنتاج و پياده نمودن اصلوب و راهكارهاي پيشنادي توسط وي البته در صحنه عمل، نتايج بهتر و آينده اي روشن تر براي دنياي اسلام ترسيم نمود و از وخيم تر شدن اوضاع مسلمانان در سراسر جهان ممانعت به عمل آورد.از اين رو در اين مقاله در صدد بررسي انديشه هاي رهبري معظم انقلاب اسلامي ايران در باب وحدت در جهان اسلام و راهبرد هاي ارائه شده توسط ايشان مي باشيم. ابتدا به ساكن به واكاوي مسئله وحدت و تعريف آن خواهيم پرداخت و در وهله بعد با مراجعه به سخنان رسا، شيوا و گهر بار مقام معظم رهبري سخنان ايشان مورد تحليل و مدقه قرار خواهد گرفت.

مفهوم وحدت

در باب وحدت و معني اين كلمه سخن بسيار رانده شده و تعاريف مختلفي در خصوص آن توسط فظلا و علما ارائه گرديده است. اما دال مركزي تمامي تعاريف در خصوص معني وحدت را مي توان در اتحاد، يكپارچگي، همبستگي ، يگانگي و عدم گسيخت دانست به نظر مي رسد، وحدت كه در ادبيات سياسي با واژه unity آمده

است، از دو ويژگي و مختصه اساسي برخوردار است:

الف) يگانگي دروني

ب) پيوستگي بيروني.

يگانگي دروني در اين معنا به يک نقطه تشابه اشاره دارد که موجب ايجاد بنياد عميقي براي پيوستگي هاي عيني است. در لسان قران کريم آنگاه که گفته مي شود: «واعتصموا بحبل ا جميعا و لا تفرقوا»، به واقع و در ادبيات مورد نظر ما به همين نکته اشاره دارد که مي تواند پايه مستحکم وحدت باشد و اتحاد بدون آن بدون منزلگه و جايگاه است. پيوستگي بيروني در اين منظر متوجه خط تداوم آن يگانگي دروني در عرصة حيات جمعي براي رسيدن به هدف يا اهداف تعريف شده فردي و اجتماعي و ملي پذيرفته شده است. از همين رو يک ملت با حصول به يگانگي دروني و تسري آن به لايه هاي بيروني در قالب پيوستگي هاي اجتماعي و بسط آن در تمامي ساحت ها و عرصه ها و حوزه ها و وجوه جامعه ملي مي تواند به اتحاد ملي دست يابد. بايد ميان وحدت و اتحاد تمايز قائل شد و در عين همنشيني و ارتباط ميان آنها، اتحاد را محصول عيني و عملي وحدت در معناي فوق دانست. اتحاد که معادل فارسي alliance است از معناي تعريف شده اي برخوردار مي باشد که با اندکي بازآفريني مفهوم فوق را مي رساند. اين مفهوم نيز از دو خصلت و ويژگي اساسي بهره برده است. اتحاد به عنوان انعکاس بيروني و عملي وحدت از دو مختصه: وحدت دروني و توافق رسمي برخوردار است. در اينجاست که وجوه دوگانه وحدت يعني يگانگي دروني و پيوستگي بيروني توافق معني داري را بين اجزاء مورد نظر ايجاد مي کند که نوعي پيوند معنوي (دروني) را در لايه لايه هاي حيات اجزاء تسري مي بخشد و انعکاس بيروني آن را در توافقات رسمي براي ايجاد اتحادها و ائتلاف ها به نمايش مي گذارد. اگر ملت به جمعيت تعريف شده در داخل مرزهاي ترسيم شده رسمي اشاره مي کند که در فرهنگ، مذهب، زبان و قوميت مشترکي که تداوم تاريخي قدرتمند دارند سهيم هستند، وحدت ملي اشاره به يگانگي دروني و پيوستگي بروني آنها بر حول اين مشترکات تاريخي قدرتمند دارند که به دنبال اتحاد در عرصه حيات اجتماعي سياسي خود براي افزايش قدرت در راستاي حصول به اهداف تعريف شده ملي مي باشند.

وحدت در قرآن کريم

با تأمل در متن مقدس قرآن متوجه مي شويم که آيات مختلفي در سراسر اين کتاب مقدس به چشم مي خورد که درون مايه تمامي آنها چيزي جزء امر به عدم تفرقه و گسيخت فکري ، و به بياني سفارش به چنگ زدن همه مسلمانان به يک ريسمان محکم، نمي باشد. جوش و خروش مسلمانان نيز تنها زماني به چشم خواهد آمد، که مسلمانان به دستورات دين مبين اسلام توجه نمايند و آيات ذيل را توشه راه خود قرار

دهند. در ذيل برخي از آيات قرآن در خصوص وحدت و اتحاد مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

اولين مسئله اي كه بيش از پيش به چشم مي خورد اين آيه گهر بار است كه مي فرمايد: آيات «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقُوا»(آل عمران/103). همگي به ريسمان الهي چنگ بزنيد، و پراكنده نشويد. حال منظور از «حَبْلُ اللَّهِ» يعني ريسمان خدا در آيه چيست؟ اميرالمؤمنين در نهج البلاغه مي‌فرمايد: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يعِظْ أَحَداً بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ»(نهج‌البلاغه، خطبه 176) يعني قرآن«حَبْلُ اللَّهِ» است. رهبر الهي «حَبْلُ اللَّهِ» است. زيرا وقتي راه زياد شود مردم متفرق مي‌شوند ولي اگر راه يكي باشد مردم متفرق نخواهند شد. لذا قرآن مي‌فرمايد: «وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبيلِهِ»(انعام/153) يعني راه‌ها كه زياد شد، جمعيت‌ها هم متفرق مي‌شوند. يعني تا وقتي رهبر يكي باشد، همه در يك راه هستند ولي وقتي راه‌ها زياد شد، مردم هم متفرق مي‌شوند و چند دستگي به وجود مي‌آورد. يعني عامل تفرقه راه‌ها و خطوط متعدد است و اگر از ابتدا راه‌ها يكي باشد مشكلي به وجود نمي‌آيد. «حَبْلُ اللَّهِ» قرآن و رهبر الهي و ايمان است. قرآن مي‌گويد: تفرقه هميشه توسط ابرقدرت‌ها است. تفرقه به وجود مي‌آورند تا بتوانند مردم را به استضعاف بكشانند. درباره‌ي فرعون مي‌فرمايد: «وَ جَعَلَ أَهْلَها شِيعاً يسْتَضْعِفُ طائِفَةً مِنْهُمْ»(صص/4) يعني فرعون اهل شهر را گروه گروه قرار داد. (شيعه به معناي گروه گروه است) بعد كه گروه گروه شدند آن‌ها را به استضعاف كشيد. علت وجود مستضعف در جامعه تفرقه است، زيرا بر اساس تفرقه و متفرق شدن ضعيف، نفوذپذير مي‌شوند. مثل قصه‌ي پدري است كه وقتي يك چوب را به فرزندش داد، فرزند توانست آن را بشكند ولي وقتي يك دسته چوب را به او داد نتوانست بشكند. بعد به آن‌ها گفت: اگر تنها باشيد شكست پذير هستيد ولي اگر با هم باشيد، هرگز نخواهيد شكست.

خدا مي‌فرمايد: من سه نوع عذاب دارم:

1- آسماني(از بالاي سر) 2- زميني(از زير پاهايتان) 3- تفرقه است.

يعني خداوند تفرقه را در كنار عذاب آسماني و زميني آورده است و اين خيلي مهم است. آنچه باعث تفرقه و عامل آن باشد در اسلام حرام است. من و شما با هم دوست هستيم ولي كسي مي‌آيد و غيبت شما را به من يا بر عكس مي‌كند و به اين ترتيب بين من و شما تفرقه مي‌اندازد. غيبت و تجسس حرام است چون وقتي تجسس كرديم و عيب يكديگر را دانستيم علاقه‌مان به همديگر كمتر مي‌شود و گناه است.

خدا منافقين را لعنت كند كه باعث شدند افرادي كه جانشان در خطر است از درب ديگري بيايند يا با ماشين خصوصي بيايند و گرنه همانطور كه قرآن مي‌گويد: «وَ يمْشي فِي الْأَسْواقِ»(فرقان/7) پيامبر

و همه‌ي مردم يكسان مي‌آمدند و مي‌رفتند.

وحدت از منظر مقام معظم رهبري

مقام معظم رهبري به موضوع وحدت چنان اهميتي مي‌دهند كه آن را به عنوان مسأله‌اي استراتژيک و نه تاكتيكي معرفي نموده و همواره علما، روشنفكران، برجستگان سياسي و آحاد امت اسلامي را به وحدت ذيل دستورات و آموزه‌هاي قرآن كريم و ارادت و محبت به پيامبر اسلام دعوت كرده‌اند. وحدت در نگاه مقام معظم رهبري به معناي نبودن تفرقه، درگيري و كشمكش است اتحاد و انسجام اسلامي در ديدگاه مقام معظم رهبري بسيار اهميت دارد. ايشان از نخستين روزهاي مسوولیت مهم رهبري، اين مسأله را در مناسبت هاي متعدد گوشزد فرموده و همواره از خطرها و آسيب هاي احتمالي موجود در اين مسأله ياد كرده‌اند. ايشان مسأله وحدت را داراي پيچيدگي خاص خود مي‌دانند و آن را در صورتي حائز اهميت مي‌دانند كه اولاً به از بين رفتن اختلافات منجر شود و ثانياً حاكميت اسلامي را به همراه داشته باشد. در مسأله وحدت، دو نقطه يا دو جهت‌گيري اساسي وجود دارد كه هر كدام به تنهايي، حائز اهميت هستند. وقتي ما شعار وحدت مي‌دهيم، اين دو نكته اساسي بايد مورد توجه ما باشد و همينها است كه براي زندگي عملي مسلمانان، كارساز است: يكي از اين دو نكته، عبارت است از رفع اختلافات و تناقض ها، درگيري ها، تضادها و كارشكني ها كه از قرنها پيش تا امروز، ميان طوايف و فرق مسلمانان وجود داشته است و هميشه هم اين تناقضها به ضرر مسلمانان تمام شده است. اگر به تاريخ اسلام برگرديم، خواهيم ديد كه زمان و مبدأ همه و يا قسمت اعظم اين تعارض ها و تناقض ها، به دستگاه هاي قدرت مادي بر مي‌گردد. تاريخ اسلام را ملاحظه كنيد، خواهيم ديد كه از اختلافات اوليه ـ يعني مسأله خلق قرآن و امثال آن ـ تا بقيه اختلاف هايي كه در طول زمان، بين فرق اسلامي ـ مخصوصاً در زمان هاي بيشتري بين شيعه و سني ـ اتفاق افتاده است، تقريباً، سر نخ اين اختلافات در تمام بلاد اسلامي، دست قدرتها است. وحدتي كه ما اعلام مي‌داريم و شعار مي‌دهيم و به آن دل بسته هستيم و دنبال آن، حركت و كار مي‌كنيم، نخستين نقطه‌اش بايد ناظر به رفع اين تعارضها، تناقضها، اختلافها و درگيريها باشد، كه خداي متعال به اين راضي است و مؤمنان و مخلصان، اولياء و عقلا، از آن خشنودند (موحدي، 1387ش، ص142).

قام معظم رهبري با حساسيت و دقت انسجام و اتحاد اسلامي را مورد بررسي قرار داده و نه تنها با گفتار و بيانات خود در اين زمينه گام برداشته‌اند بلكه در حيطه عمل با تأسيس مجمع تقريب مذاهب اسلامي، حمايت بي‌دريغ از كنفرانس وحدت اسلامي و نامگذاري سال 1386ش به نام سال « اتحاد ملي و انسجام اسلامي»، اين ضرورت و اهميت را اثبات نمودند.

از ديدگاه مقام معظم رهبري ترقي و تعالي دنياي اسلام جز با انسجام اسلامي امكان‌پذير نمي‌باشد: «در دايره‌اي وسيع، رمز پيروزي امت اسلامي وحدت كلمه است. اگر امت اسلامي مي‌خواهد در

ميدانهاي علم، ترقي، پيشرفت مادي، تسلط بر سرنوشت خويش، رهايي از سلطه بيگانگان و سعادت دروني و بيروني پيشرفت كند، راهش با كلمه توحيد و توحيد كلمه است. مراكز قدرت استكباري كه از هر عاملي براي تحكيم قدرت خود بر دنيا، استفاده مي‌كنند، تلاش كرده‌اند در دنياي اسلام از هر وسيله‌اي براي تجزيه، تفرقه و اختلاف استفاده كنند، كه متأسفانه تا حدود زيادي هم موفق شده‌اند. اگر امروز ملت فلسطين دچار چنين سرنوشت تلخي شده است؛ اگر امروز پيكر ملت فلسطين خون‌آلود است و مصيبت و غم آن ملت تا اعماق جان انسانهاي دردمند نفوذ كرده است، به خاطر اختلاف كلمه مسلمانان است. اگر وحدت كلمه بود، اين وضعيت به وجود نمي‌آمد. اگر عراق اسلامي زير چكمه اشغال گران درآمده است، به خاطر اختلاف كلمه مسلمانان است؛ اگر امروز كشورهاي خاورميانه با فريادهاي مستانه و مغرورانه آمريكا مستقيماً تهديد مي‌شوند، به خاطر اختلاف كلمه مسلمانان است و اگر مسلمانان مي‌خواهند از اين خفت نجات پيدا كنند و اگر مي‌خواهند فلسطين را نجات دهند و اگر مي‌خواهند در افغانستان، عراق و ساير بلاد اسلامي، دشمن نتواند جسم و جان مسلمانان را زير فشار قرار دهد، راهش در وحدت كلمه و وحدت ملتها، دولتها و وحدت شعارهاست» (بيانات رهبري در ديدار كارگزاران نظام به مناسبت عيد سعيد فطر، 21/11/1375).

وحدت به قول رهبر معظم انقلاب يعني: نبودن تفرقه، نفاق، درگيري و كشمكش. حتي دو جماعتي كه از لحاظ اعتقاد ديني مثل هم نباشند مي‌توانند در كنار هم باشند و مي‌توانند دعوا نكنند. مقام معظم رهبري، مباني فلسفي وحدت را اينگونه بيان فرموده است: «بناي توحيد كه مبناي فكري و اعتقادي و اجتماعي و عملي ماست در وحدت است.در جامعه‌اي كه بر مبناي شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بيگانه از يكديگر است. در جامعه توحيدي، كه وقتي مبدأ و صاحب هستي و سلطان عالم وجود و حي و قيوم و قاهري كه همه حركات و پديده‌هاي عالم، مرهون اراده و قدرت او مي‌باشد، يكي است، انسان ها با يكديگر خويشاوندند؛ چون به آن خدا وصل‌اند، به يک جا متصل‌اند و از يک جا مدد و كمک مي‌گيرند. ولايت هم معنايش همين است. ولايت، يعني پيوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحكم و غيرقابل انفصال و انفكاک. جامعه اسلامي كه داراي ولايت است؛ يعني همه اجزاي آن به يكديگر و به آن محور و مركز اين جامعه، يعني ولي متصل است. لازمه همين ارتباط و اتصال است كه جامعه اسلامي در درون خود يكي است و متحد و متصل به هم است و در بيرون نيز اجزاي مساعد با خود را جذب مي‌كند» (طيبي‌خواه، 1386ش، ص49). ايشان همچنين وحدت اسلامي را «گرد آمدن صاحبان سليقه‌ها و روشهاي گوناگون بر گرد محور اسلام» (بيانات رهبري در چهلمين روز ارتحال امام خميني، 23/4/1368)، معرفي مي‌كنند كه همان اعتصام به حبل‌الله است كه عموم مسلمانان بدان مكلف گشته‌اند.

از نظر مقام معظم رهبري يكي از آسيب هاي جدي جوامع اسلامي در شرايط فعلي، اختلافهاي مذهبي است. ايشان در اين باره مي‌فرمايد: «حقا وضع مسلمانان از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبي، تأسف‌انگيز است. بسياري از توانايي هاي علمي و فكري مسلمانان در طول تاريخ، صرف تعارض با يكديگر شده است ...

تا آن جايي كه من يادم مي‌آيد، درگيريها و تعارضات و جنگهاي مذهبي بين مسلمانان، به وسيله قدرتمندان هدايت شده است. از زمان بني عباس تا زمانهاي بعد، همواره دست هايي، طرفداران عقايد مختلف اسلامي را به جان هم انداختند. اگر اين دست ها نبود، آنها با هم سالها در صلح و آرامش زندگي مي‌كردند و هيچ مشكلي نداشتند. در زمان حاضر، براي اين كه مسلمانان با هم متحد و متفق نباشند و عليه هم كار كنند، تلاش هاي مضاعفي انجام مي‌گيرد. اين تلاش ها به خصوص در وقتي تشديد پيدا كرده كه نياز مسلمانان به وحدت، بيش از هميشه است.» (نجفي، 1390ش، ص14).

مؤلفه‌هاي وحدت و انسجام امت اسلامي در حاكميت اسلامي از ديدگاه رهبري

برخي از مؤلفه‌هاي اتحاد و انسجام امت اسلامي در حاكميت اسلامي از ديدگاه مقام معظم رهبري عبارتند از: 1. مبارزه با خوي خودخواهي و دنياطلبي مسلمانان؛ 2. تسليم نشدن در برابر نظم باطل جهاني؛ 3. استفاده از موقعيت جغرافيايي جهان اسلام؛ 4. مواظبت در برابر خطر قوميت، مذهب و طايفه‌گري؛ 5. درک اهداف دشمن از جنگ شيعه و سني؛ 6. مبارزه با توطئه عمال تفرقه‌انگيز دشمنان در دنياي اسلام؛ 7. تصحيح استدلال غلط كشورهاي مسلمان درباره منافع ملي خود؛ 8. عبرت ملتهاي مسلمان از ايران؛ 9. تضعيف و مبارزه با ناسيوناليسم افراطي در كشورهاي مسلمان؛ 10. ايجاد اتحاد در مقابله با صهيونيسم؛ 11. رفع سوء ظن بين دولتها و ملتهاي اسلامي؛ 12. شناخت شخصيت پيامبر اعظم(ص) به عنوان محور انسجام اسلامي؛ 13. اتحاد رؤساي كشورهاي اسلامي؛ 14. رفع دعواهاي رسانه‌اي و مطبوعاتي عليه مذاهب اسلامي. در اين نوشتار تنها به شرح يكي از موارد فوق اكتفا مي‌نماييم.

وحدت كلمه بين مسلمين

منظور از وحدت كلمه از منظر مقام معضم رهبري آن است كه همگان تحت يک كلمة توحيد جمع شوند، زيرا مي فرمايند: «پيغمبر اسلام مي خواست در تمام دنيا وحدت كلمه ايجاد كند. مي خواست تمام ممالک دنيا را تحت يک كلمة توحيد. قرار بدهد.»(خميني،1367: 120). بنابراين مي توان وحدت كلمة بين مسلمين را اين گونه تعريف نمود: ايجاد نوعي يگانگي و همگوني بين منافع و اهداف كساني كه داراي خدايي واحد، پيامبري به نام محمد ـ صلي ا عليه و آله ـ و كتابي بنام قرآن كريم هستند و هدف آنها سعادت بشري و رسيدن به قرب الهي است.

بنا به عقيده رهبر معظم انقلاب اسلامي ايران از مهمترين عوامل اختلاف و تفرقه كشورهايي اسلامي مي توان به اين امر اشاره نمود:

1- دوري از اسلام اصيل و قرآن كريم: يكي از علل از بين رفتن مجد و عظمت مسلمين و به وجود آمدن تفرقه و مشكلات گوناگون ميان آنها، دوري از اسلام و فرامين قرآن است .

2- ملي گرايي: يكي ديگر از عوامل عدم توجه به كشورهاي اسلامي، بحث ملي گرايي است كه اين بحث سرانجام به تفرقه و تشتّت مي انجامد. پيامبر بزرگوار اسلام مردم عرب، فارس، روم و... را از ملي گرايي به اسلام گرايي، و از اسلام به ايمان و از ايمان به تقوي و مهاجر في سبيل ا ارتقاء دادند و در نتيجه همة مسلمانان ملل مختلف را متحد ساختند. در حاليكه امروزه استعمار غرب مي كوشد تا مسلمانان را به ملي گرايي سوق دهد و البته در اين راه موفقيت هايي را نيز بدست آورده است به همين علت است كه ما شاهد وحدت كلمة قوي بين كشورهاي اسلامي نيستيم.

3- فرقه گرايي: فرقه گرايي نيز نقش مؤثري در ايجاد اختلاف بين مسلمين دارد. اينكه در اسلام فرقه هاي متعددي وجود دارند يک امر طبيعي است. اين امر در طول تايخ اسلام باعث شده تا راه هر نوع مفاهمه و گفتگو بين گروههاي مختلف بسته شود. فِرَق متعدّد اسلامي در حال حاضر هيچ اطلاعات درست و دقيقي از وضعيت و اعتقادات هم ندارند و حتي براي محكوم كردن همديگر، برخي از نكات را گرفته و جداگانه مورد بحث قرار داده و بر عليه هم بكار مي برند و از اين طريق سعي در اثبات حقانيت خود دارند.

4. تفرقه انگيزي قدرتهاي سلطه گر: يكي ديگر از عوامل اختلاف و همين طور جدايي بين كشورهاي اسلامي، ايجاد و القاي تفرقه از سوي قدرتهاي سلطه‌گر است اين توطئه بارها از سوي آنان عملي شده است

5- فراموشي ارزشهاي اصيل اسلامي: بسياري از مسلمانان با ارزشهاي اصيل اسلامي فاصله بسيار گرفته اند و حاكمان آنها نيز از آنها در اين زمينه پيشي گرفته اند كه اين خود عامل بسياري از تفرقه ها و جدايي ها است. وحدت اگر بخواهد براساس ارزشهاي اسلامي تحقق يابد ركن مؤثر آن ايمان راسخ به اين ارزشها است كه متأسفانه امروزه در ميان مسلمانان كمرنگ شده است.

6-دنياگرايي: بسياري از حاكمان كشورهاي اسلامي به شدت اسير تمتعات و تمنيات دنيوي شده اند و آنقدر درگير دنياي خود شده اند كه فرصت انديشيدن به آرمان هاي ديني از آنها سلب شده است. همينكه دنياي خود را تأمين كنند براي آنها كمال موفقيت است و توان پرداختن به مقولات ارزشي و آرماني ندارند .

7- وابستگي به دولت ها و قدرتهاي استكباري: يكي ديگر از موانع وحدت دنياي اسلام را بايد در وابستگي حاكمان آن به ابرقدرتها دانست. هنگامي كه دولتها از خود اراده اي نداشته باشند و ريز و كلان تصميمات حكومتي را از خارج به آنها ديكته كنند، انتظار تصميمات عاقلانه و حكيمانه از آنان انتظاري بيهوده است.

وحدت شيعه و سني

معناي صحيح وحدت شيعه و اهل سنت اين است كه با توجه به اين كه بين دو مذهب مشتركات بسياري است، دو گروه بايد بر محور اين مشتركات به هم نزديک شوند؛ براي حفظ و تعالي اسلام با همديگر همكاري و همياري داشته باشند؛ چرا كه هر دو دشمن واحدي دارند. دشمنان اسلام، دشمنان هر دو مذهب هستند. در برابر اين دشمنان و براي جلوگيري از سوء استفاده آنان از اختلافات بايد در مقابل آنها بر وجوه اشتراک خود تكيه كنند، تا بتوانند بر دشمنان اسلام كه دشمن مشترک شيعه و سني هستند، از خود دفاع كنند. شيعه و سني، قرن‌هاي طولاني است كه در مسائل گوناگون اختلاف نظر دارند و اين امر، گاه از سوي فتنه انگيزان مايه گسست‌ها، بلكه نزاع‌هاي فراوان در تاريخ شده است، و بي‌گمان، يكي از عللِ ضعف مسلمانان در حال حاضر در برابر هجمه استعمار غرب، همين امر بوده است. شيعه و سني هر دو مسلمان و در اعتقادات، احكام، اخلاق و … داراي مشتركات زيادي هستند، البته اختلاف هايي هم دارند كه انكارشدني نيست، اما اين اختلاف ها نبايد منجر به خصومت و دشمني شود و به اساس اتحاد و برادري اسلامي ضربه وارد سازد. علامه شرف الدين مي گويد: "سياست سبب جدايي شيعه و سني شد، همو نيز بايد سبب اتحاد شيعه و سني شود(شرف الدين، بي تا: 8). منظور اين است كه سياست استعماري و دسيسه هاي بي گانگان فرق اسلامي و از جمله شيعه و سني را از هم جدا كرده است، بايد سياست اسلامي به منظور مقابله با دشمن مشترک نيز آنها را به هم پيوند دهد.

شايد قديمي‌ترين و مهم‌ترين حربه تفرقه افكنان در طول تاريخ اسلام، ايجاد جنگ بين مذاهب اسلامي و نفرت آنها از يكديگر باشد. اين كار تا آنجا اهميت يافته است كه بودجه‌هاي كلان براي انتشار مطالب تفرقه‌انگيز بر عليه هر دو دسته اختصاص مي‌دهند و از هيچ كوششي در اين راه فروگذار نمي‌كنند. مقام معظم رهبري نسبت به اين مانع نيز هشدارهاي جدي و محكمي بيان فرموده‌اند و درک اهداف دشمن از وقوع اين جنگ و تفرقه‌ها را مؤلفه‌اي مهم براي اتحاد و انسجام امت اسلامي در حاكميت اسلامي مي‌دانند: «اميرالمؤمنين را مايه اختلاف بين شيعه و سني و فرقه‌هاي اسلامي قرار ندهيد. اميرالمؤمنين نقطه وحدت است، نه نقطه افتراق. برادران و خواهران ما در سرتاسر كشور به اين حرف اطمينان كنند. اطلاعات ماها از حوادث خيلي زياد است. من به عيان مي‌بينم دستهاي بسيار فعالي دركارند براي ايجاد اختلافات مذهبي؛ جنگ شيعه و سني؛ نفرت مذاهب اسلام از يكديگر. كتاب نوشته مي‌شود عليه شيعه، كتاب نوشته مي‌شود عليه سني؛ وقتي دنبال مي‌كنيم، مي‌بينيم پول هردوي اين كتابها از آن طرفِ مرزها و از يكجا آمده است. هر مذهبي عقايد و استدلال خود را دارد. در پشت ميز استدلال و مباحثه، هركس توانست غالب بشود، غالب بشود؛ اما فضاي جامعه را نبايد فضاي جنگ، دعوا و منافرت قرار داد. اميرالمؤمنين محور وحدت است. همه دنياي اسلام در مقابل اميرالمؤمنين خاضع‌اند؛ شيعه و سني ندارد. در طول تاريخ اسلام، هم در دوران اموي و هم دوران عباسي گروه‌هايي دشمن اميرالمؤمنين بودند؛ اما عامه دنياي اسلام ـ چه سني مذهب، چه شيعه مذهب ـ اميرالمؤمنين را تجليل مي‌كنند. شما ببينيد ائمه فقهي اهل‌سنت درباره اميرالمؤمنين شعر مدح دارند. اشعار معروفي كه گفته مي‌شود، مال شافعي است. امام شافعي درباره اميرالمؤمنين اشعار مدح‌آميز دارد. نه فقط درباره

اميرالمؤمنين، بلكه درباره همه يا اغلب ائمه اينها خاضع‌اند. براي ما شيعيان، مقام و موقعيت اين بزرگوارها شفاف، روشن و واضح است؛ اما نتوانستند براي خودشان اين مسائل را روشن كنند. در مقام بحث و مجادله علمي و بحث علمي اين چيزها قابل روشن شدن است. منطق ما خيلي قوي است؛ اما عده‌اي امروز در عراق، در نقاط مختلف دنياي اسلام و به خصوص در ايران سعي‌شان اين است كه دعوا بيندازند. ما مي‌بينيم كه قضيه از كجاها دارد آب مي‌خورد» (بيانات رهبري در خطبه‌هاي نماز جمعه تهران، 15/8/1383).

مقام معظم رهبري اين ترفند دشمنان را به خوبي توصيف مي‌فرمايند: «امروز يكي از اهداف اساسي استكبار و آمريكا در دنياي اسلام عبارت است از ايجاد اختلاف؛ بهترين وسيله هم ايجاد اختلاف بين شيعه و سني است. مي‌بينيد دست پروردگان استعمار در دنيا به مناسبت مسائل عراق چه حرف هايي مي‌زنند، چه سمپاشي هايي مي‌كنند و به خيال خودشان چه بذر نفاقي مي‌پراكنند. سال هاي متمادي است كه دست استعمار و دست قدرت‌طلبِ قدرت هاي فزون‌خواه غربي دارند اين كار را مي‌كنند. در حج فرصت خوبي براي آنها است تا شيعه را از سني، و سني را از شيعه عصباني كنند؛ آن را وادار كنند به مقدساتِ اين اهانت كند، اين را وادار كنند به مقدسات و محبوباتِ او اهانت كنند. بايد هوشيار بود؛ مخصوص حج هم نيست؛ در همه دوران سال و در همه ميدان‌ها بايد هوشيار بود. جنگ شيعه و سني، محبوب واقعي آمريكا است. بعد از گذشت قرنها رو به‌ روي هم بنشينيد ـ مثل كساني كه در جنگ با همديگر رو به رو مي‌شوند ـ با دل هاي پُر كينه نسبت به يكديگر حرف بزنند؛ آنها براي اينكه اين اختلاف را ايجاد كنند، در مراسم حج كساني را اجير مي‌كنند؛ شما بايد هوشيار باشيد؛ مردم هوشيار باشند؛ روحانيون محترم كاروان ها بايد با احساس مسوولیتِ تمام نسبت به اين قضيه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه مي‌خواهد. غفلت بزرگي است كه انسان به خيال اين كه از حقيقت دفاع مي‌كند، از نقشه دشمن دفاع كند و براي دشمن كار كند. ديگران پول مي‌گيرند، مزدور مي‌شوند و اين كار را مي‌كنند؛ عده‌اي عوام سطحي متعصب را هم ممكن است عليه شما، عليه عقايدتان و عليه مقدساتتان تحريک كنند. اگر با عملي متقابل مواجه شوند، بلاشک به هدف خودشان رسيده‌اند، آنها همين را مي‌خواهند؛ مي‌خواهند ما را با هم گلاويز كنند تا خيال خودشان را راحت كنند» (بيانات رهبري در ديدار دست‌اندركاران مراسم حج، 30/9/1383).

مقام معظم رهبري اين ترفند را چنين بيان مي‌كنند: «گاهي دشمن براي ايجاد اختلاف ـ هم در بين شيعه، هم در بين سني ـ از آدمهايي كه غرض و مرضي ندارند، استفاده مي‌كنند. در جامعه شيعه حركتي انجام مي‌گيرد كه براي برادر مسلمان غير شيعه تحريک كننده و حساسيت برانگيز است. عين همين عمل، در بين جامعه سني انجام مي‌گيرد، نسبت به كاري كه براي شيعه حساسيت برانگيز و نفرت برانگيز است.

چه كسي اين كارها را مي‌كند؟ امروز دشمن واحدي در مقابل ما است؛ علاوه بر اينكه كتاب واحد، سنت واحد، پيغمبر واحد، قبله واحد، كعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادي واحد در جامعه اسلامي است. البته اختلافاتي هم وجود دارد. اختلافات علمي ممكن است بين هردو نفر عالِم باشد. علاوه بر اين ها، دشمن واحد در مقابل دنياي اسلام است. مسأله اتحاد بين مسلمانان يک امر جدي است. با اين مسأله، بايد اين طور برخورد شود. هر روزي كه اين قضيه دير شود، دنياي اسلام يک روز خسارت كرده و اين روزها، روزهايي است كه بعضي آن چنان حساس است كه در يک عمر اثر مي‌گذارد. نبايد بگذاريد دير شود» (بيانات رهبري در ديدار با كارگزاران نظام و ميهمانان خارجي شركت كننده در كنفرانس بين‌المللي وحدت اسلامي، 24/5/1374).

راهكارهاي ايجاد وحدت:

الف. عملي

تمسک به اسلام؛ كفر به طاغوت؛

پافشاري در وحدت و مقاومت در برابر اشكال تراشي ها؛

حفظ روابط بين رهبري و مردم؛

ترويج روحيه اخوت؛

تحمل يكديگر و احترام به عقايد ديگران؛

صميميت و محبت؛

طرح جدي موضع در فضاي غيردوستانه و پذيرش اختلافات در غير اصول و امور حاشيه اي.

ب-راهكارهاي علمي

آگاهي مردم و روشن فكري؛

تلاش براي تقريب مذاهب و گفت و گوي بين فرق اسلامي و

هم انديشي علماي فرق مختلف؛

منابع:

خميني، سيد روح ا(1367)، صحيفه نور، جلد سوم.تهران: انتشارات دفتر حفظ آثار امام خميني (ره).